مجلۀ علمی – تحقیقی تاج
Taj Academic and Research Journal

https://www.taj.edu.af/magazine/index.php
دوره اول، شمارۀ سوم، خزان ۱۴۰۴.

ISSN:2664-9144
DOI: http://doi.org/10.63616/taj.V.01.I.03.03

تاریخ دریافت : ۱۴۰۴/۲/۱۳
تاریخ پذیرش : ۱۴۰۴/۴/۱۶
تاریخ نشر : ۱۴۰۴/۷/۱

تحلیل تاثیر استقلال بانک مرکزی بر اعتبار و شهرت آن در افغانستان

محمد جمعه شریفی[۱]

چکیده

این پژوهش با هدف تحلیل تأثیر استقلال بانک مرکزی بر اعتبار و شهرت نهاد مذکور در افغانستان، در دوره زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۳ انجام شده است. در این راستا، تلاش شده است تا ابعاد مختلف استقلال نهادی بانک مرکزی، از جمله کاهش مداخلات سیاسی، تقویت شفافیت و ارتقای قابلیت اجرای سیاست‌های پولی علمی و پایدار، به‌طور جامع و دقیق مورد بررسی قرار گیرد. روش تحقیق مبتنی بر مدل خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی و تحلیل داده‌های سری زمانی است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که استقلال بانک مرکزی تأثیر مثبت و معناداری بر اعتبار و شهرت آن دارد. به‌علاوه، نوسانات نرخ ارز تأثیر منفی و معناداری بر این متغیرها داشته و در مقابل، نرخ رشد اقتصادی و کنترل تورم به‌عنوان عوامل مکمل، در ارتقای اعتبار و شهرت بانک مرکزی نقشی محوری ایفا می‌کنند. این نتایج می‌توانند مبنای سیاست‌گذاری‌های اقتصادی جهت تقویت جایگاه بانک مرکزی در سطح ملی و بین‌المللی قرار گیرند.

واژگان کلیدی: استقلال بانک مرکزی، اعتبار بانک مرکزی، ثبات اقتصادی، سیاست پولی، نوسانات نرخ ارز.

۱. عضو هیات علمی موسسه تحصیلات عالی بامیکا، بامیان، افغانستان (m.juma.sharifi1373@gmail.com)

۱. مقدمه

استقلال بانک مرکزی از موضوعات کلیدی در اقتصاد کلان است و به توانایی این نهاد در تدوین و اجرای سیاست‌های پولی بدون تأثیرپذیری از فشارهای دولت، احزاب سیاسی و سایر ذی‌نفعان اشاره دارد. در این زمینه، دو دیدگاه اصلی وجود دارد: نخست، بانک مرکزی را نهادی وابسته به دولت می‌داند که در راستای اهداف دولتی عمل می‌کند و جایی برای استقلال آن قائل نیست؛ دوم، استقلال بانک مرکزی را ضروری دانسته و وظیفه اصلی آن را حفظ ارزش پول ملی و کنترل تورم می‌داند. در این دیدگاه، بانک مرکزی باید بدون مداخله دولت و صرفاً با هدف حفظ ثبات قیمت‌ها سیاست‌گذاری کند، حتی اگر منجر به محدودیت‌هایی در رشد تولید و اشتغال شود. در مجموع، استقلال بانک مرکزی نقشی اساسی در تحقق ثبات اقتصادی، کاهش تورم و افزایش اعتماد عمومی به نظام پولی و مالی دارد (جعفری صمیمی و همکار، ۱۳۹۴؛ ابراهیمی، ۴۰۰).

هدف اصلی از ایجاد بانک مرکزی مستقل، جلوگیری از نوسانات سطح عمومی قیمت‌ها و حفظ ثبات اقتصادی است. به همین دلیل، بسیاری از کشورها با تصویب قوانین مختلف، تلاش کرده‌اند دخالت دولت در عملکرد بانک مرکزی را محدود کنند. برای مثال، در سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۱، کشورهای کانادا، نیوزیلند و شیلی قوانینی را تصویب کردند که به بانک‌های مرکزی امکان فعالیت مستقل داد. همچنین، پیمان ماستریخت در سال ۱۹۹۲ کشورهای عضو اتحادیه اروپا را ملزم به تضمین استقلال بانک‌های مرکزی کرد، به‌گونه‌ای که یکی از شروط اصلی عضویت در منطقه یورو نیز همین استقلال عنوان شده است. این تجارب جهانی اهمیت استقلال بانک مرکزی در کنترل تورم و تحقق ثبات اقتصادی را نشان می‌دهد (جعفری و همکار، ۱۳۸۱).

اهمیت استقلال بانک مرکزی در نظام‌های اقتصادی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه مانند افغانستان، به دلیل نقش آن در مدیریت سیاست‌های پولی، کنترل تورم، حفظ ثبات مالی و تقویت اعتماد عمومی و بین‌المللی، انکارناپذیر است. در افغانستان که با مشکلاتی چون نوسانات ارزی، تورم مزمن و فشارهای سیاسی مواجه است، استقلال بانک مرکزی می‌تواند نقش کلیدی در بهبود عملکرد اقتصادی و ارتقای اعتبار داخلی و خارجی این نهاد ایفا کند. هدف مقاله، بررسی تأثیر استقلال بانک مرکزی افغانستان بر اعتبار و شهرت آن نزد ذی‌نفعان است. سؤال اصلی آن است که استقلال بانک مرکزی تا چه حد می‌تواند اعتبار و شهرت آن را افزایش دهد و چه چالش‌ها و فرصت‌هایی در این مسیر وجود دارد؟ فرضیه پژوهش نیز بر این مبناست که افزایش استقلال بانک مرکزی، از طریق کاهش مداخلات سیاسی، شفافیت بیشتر و اجرای سیاست‌های علمی، موجب ارتقای اعتبار داخلی و شهرت بین‌المللی آن خواهد شد.

این مقاله در چهار بخش تنظیم شده است: بخش اول به مرور مبانی نظری و مطالعات تجربی درباره استقلال بانک مرکزی می‌پردازد. بخش دوم روش تحقیق و جمع‌آوری داده‌ها را شرح می‌دهد. بخش سوم مدل تحقیق و تحلیل نتایج را ارائه می‌کند و در نهایت، بخش چهارم به نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی اختصاص یافته است.

۲. مبانی نظری

۲ – ۱. مفهوم استقلال بانک مرکزی

استقلال بانک مرکزی یکی از ارکان اساسی نظام‌های اقتصادی مدرن است و به توانایی این نهاد در تدوین و اجرای سیاست‌های پولی بدون تأثیرپذیری از مداخلات سیاسی اشاره دارد. این استقلال با جداسازی سیاست‌های پولی از ملاحظات سیاسی کوتاه‌مدت، امکان تمرکز بر اهدافی مانند کنترل تورم، تثبیت قیمت‌ها و رشد پایدار اقتصادی را فراهم می‌سازد. درحالی‌که دولت‌ها ممکن است برای منافع کوتاه‌مدت، از سیاست‌های پولی سوءاستفاده کنند، استقلال بانک مرکزی همچون سپری در برابر این رفتارها عمل می‌کند و موجب افزایش کارآمدی اقتصاد می‌شود (Adrian et al., 2024; Romelli, 2024; Aklin et al., 2021) به‌عبارتی، این استقلال به معنای جدایی سیاست‌های پولی از سیاست‌های مالی و رهایی بانک مرکزی از سلطه دولت است که مانع استقراض و چاپ پول بی‌رویه برای جبران کسری بودجه می‌شود (نوراحمدی و همکاران، ۱۴۰۱).

استقلال بانک مرکزی یکی از مهم‌ترین ارکان حکمرانی اقتصادی است و نقشی کلیدی در تحقق ثبات اقتصادی و اهداف کلان پولی ایفا می‌کند. این استقلال را می‌توان از سه بعد اقتصادی، مالی و سیاسی تحلیل کرد که هر کدام زمینه‌ساز عملکرد مستقل و مؤثر این نهاد هستند. استقلال اقتصادی به توانایی بانک مرکزی در تدوین و اجرای سیاست‌های پولی مبتنی بر تحلیل‌های علمی و بدون مداخله نهادهای سیاسی اشاره دارد و امکان تمرکز بر اهدافی چون کنترل تورم و حفظ ارزش پول را فراهم می‌سازد. استقلال مالی به معنای تأمین منابع مالی مورد نیاز بانک مرکزی به‌صورت مستقل و بدون وابستگی به بودجه عمومی است تا از پیامدهایی چون افزایش نقدینگی و تورم جلوگیری شود. استقلال سیاسی نیز به مصونیت بانک مرکزی از مداخلات سیاسی در فرایند تصمیم‌گیری مربوط می‌شود و از طریق سازوکارهای قانونی مانند تعیین دوره‌های ثابت مدیریتی و ممنوعیت تأمین مالی دولت، تضمین می‌شود. این سه بعد، با هم موجب افزایش اعتبار، کارآمدی و اثربخشی سیاست‌های پولی بانک مرکزی می‌شوند (غلامی و همکاران، ۱۴۰۰؛ زرین اقبال و همکاران، ۱۳۹۷).

شواهد تجربی به‌روشنی نشان می‌دهند که افزایش استقلال بانک مرکزی نقش مؤثری در کنترل تورم، مدیریت انتظارات تورمی و کاهش نوسانات اقتصادی دارد. در کشورهایی با بانک مرکزی مستقل، نرخ تورم پایین‌تر و ثبات اقتصادی بیشتر است، زیرا این نهاد می‌تواند بدون مداخله سیاسی، بر اهداف بلندمدت مانند تثبیت قیمت‌ها و حفظ ارزش پول تمرکز کند. همچنین، استقلال بانک مرکزی مانع از استفاده ابزاری دولت‌ها از سیاست پولی برای جبران کسری بودجه می‌شود؛ پدیده‌ای که در بسیاری از اقتصادهای در حال توسعه عامل بی‌ثباتی بوده است. مطالعات گسترده‌ای در این زمینه انجام شده است که تأثیر مثبت استقلال بانک مرکزی بر کاهش تورم و بهبود ثبات اقتصادی را تأیید می‌کنند. از جمله، تحقیقات کانیدی و داروانتو (۲۰۲۰)، اگوبا و همکاران (۲۰۱۹)، کاتسلی و همکاران (۲۰۱۹)، بورکواسکی (۲۰۱۹)، بودا (۲۰۱۷)، زوکارلی (۲۰۱۷)، گاریگا (۲۰۱۶)، یوگواو و همکاران (۲۰۱۲)، چریگوی و همکاران (۲۰۱۱)، کلوم و دهان (۲۰۱۰)، ژاکومه و واسکویز (۲۰۰۸) در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)، اقتصادهای توسعه‌یافته و اقتصادهای در حال گذار، نشان می‌دهند که استقلال بانک مرکزی به کاهش پایدار نرخ تورم و ارتقای شاخص‌های ثبات اقتصادی منجر شده است. علاوه بر این، پژوهش‌های کلاسیک انجام‌شده توسط اقتصاددانانی

نظیر کاکرمن (۱۹۹۳)، ایجینگفر و شالینگ (۱۹۹۳)، آلسینا و سامرز (۱۹۹۳)، گریلی و همکاران (۱۹۹۱)، آلسینا و ساچ (۱۹۸۸)، بید و پارکین (۱۹۸۸)، به بررسی ابعاد مختلف استقلال بانک مرکزی و ارتباط آن با سیاست‌های پولی، مدیریت کسری بودجه و پایداری اقتصادی پرداخته‌اند. این مطالعات نشان می‌دهند که استقلال بانک مرکزی، با کاهش دخالت‌های سیاسی و تقویت شفافیت و پاسخگویی، نقشی اساسی در ایجاد ثبات اقتصاد کلان و ارتقای اعتماد عمومی به سیاست‌های پولی ایفا می‌کند.

در مجموع، مطالعات نظری و تجربی نشان می‌دهند که استقلال بانک مرکزی تأثیری چشمگیر بر کاهش تورم، مدیریت انتظارات و بهبود ثبات اقتصادی دارد. این استقلال با جداسازی سیاست‌های پولی از ملاحظات سیاسی و تأمین مالی دولت، زمینه‌ساز تمرکز بر اهداف کلانی چون تثبیت قیمت‌ها و حفظ ارزش پول ملی می‌شود. شواهد نیز حاکی از آن است که کاهش مداخلات سیاسی و تقویت شفافیت، استقلال بانک مرکزی را به عاملی مؤثر در پایداری اقتصادی و جلب اعتماد عمومی تبدیل کرده است.

۲ – ۲. شاخص‌های موجود برای سنجش استقلال بانک مرکزی

استقلال بانک مرکزی از مفاهیم بنیادی در نظریه‌های اقتصادی و سیاست‌گذاری پولی است که همواره مورد توجه پژوهشگران و سیاست‌گذاران قرار داشته است. به دلیل نقش مهم آن در کنترل تورم، ثبات اقتصادی و اثربخشی سیاست‌های پولی، تلاش‌های گسترده‌ای برای تدوین شاخص‌های جامع به منظور سنجش این مفهوم صورت گرفته است؛ شاخص‌هایی که با تأکید بر ابعاد مختلف استقلال، دیدگاه‌های نظری و عملی متنوعی را ارائه می‌دهند.

نخستین گام‌های جدی در سنجش استقلال بانک مرکزی توسط بید و پارکین (۱۹۸۸) برداشته شد. آن‌ها استقلال بانک مرکزی را به دو بعد سیاسی و مالی تقسیم کردند؛ استقلال سیاسی به رهایی از نفوذ دولت و تصمیم‌گیری پولی بدون فشار سیاسی اشاره دارد، و استقلال مالی توانایی بانک مرکزی در تأمین منابع مالی مستقل از بودجه دولت را نشان می‌دهد. این رویکرد، زمینه‌ساز مطالعات بعدی شد. در ادامه، گریلی و همکاران (۱۹۹۱) این چارچوب را توسعه داده و استقلال بانک مرکزی را به دو بخش سیاسی و اقتصادی تفکیک کردند؛ به‌طوری‌که استقلال اقتصادی بر اجرای سیاست‌های مستقل بدون وابستگی مالی به دولت تأکید دارد و امکان تحلیل دقیق‌تری از تعامل سیاست‌های اقتصادی و نقش بانک مرکزی را فراهم ساخت.

تحول مهمی در سنجش استقلال بانک مرکزی توسط کوکرمن و همکاران (۱۹۹۲) با ارائه شاخصی جامع و قانونی صورت گرفت. این شاخص شامل چهار مؤلفه اصلی—استقلال رئیس بانک مرکزی، استقلال در سیاست‌گذاری پولی، اهداف نهایی بانک مرکزی، و محدودیت‌های تأمین مالی دولت—و ۱۶ زیرشاخص است که در مقیاس صفر تا یک ارزیابی می‌شوند. دقت و جامعیت این شاخص، آن را به ابزاری مهم در مطالعات تجربی تبدیل کرده است. هم‌زمان، ایچ‌فینگر و شالینگ (۱۹۹۳) نیز بر استقلال سیاسی تمرکز کرده و بر ضرورت جدایی سیاست‌های پولی از نفوذ دولت برای اثربخشی و پایداری تأکید نمودند.

در گام بعدی، دبلی و فیشر (۱۹۹۴) استقلال بانک مرکزی را به دو بعد هدف و ابزار تقسیم کردند؛ استقلال هدف به آزادی در تعیین اهداف سیاست پولی مانند کنترل تورم اشاره دارد و استقلال ابزار توانایی انتخاب روش‌های مناسب برای رسیدن به این اهداف است. این دو بعد مکمل هم بوده و برای کارایی لازم‌اند. همچنین،

دومیتر (۲۰۰۹) شاخصی شامل سه بخش استقلال سیاسی و قانونی، حاکمیت و تبیین سیاست پولی، و شفافیت و پاسخگویی ارائه کرد که بر اهمیت تعامل میان استقلال، شفافیت و پاسخگویی برای افزایش کارایی و اعتماد عمومی تأکید دارد.

در این پژوهش تلاش می‌شود تا با استفاده از شاخص ارائه‌شده توسط کوکرمن و همکاران (۱۹۹۲)، شاخص استقلال بانک مرکزی محاسبه و تأثیر آن بر اعتبار و شهرت بانک مرکزی مورد بررسی قرار گیرد.

۲ – ۳. مفهوم اعتبار و شهرت بانک مرکزی

اعتبار بانک مرکزی مفهومی بنیادین در سیاست‌گذاری پولی است که به تعهد این نهاد به قواعد شفاف و اهداف مشخص اشاره دارد و توانایی آن در جلب اعتماد عمومی را نشان می‌دهد؛ به‌طوری‌که جامعه باور کند تغییرات سیاستی اعلام‌شده واقعاً اجرا می‌شود. کوکرمن (۱۹۸۶) اعتبار را به‌عنوان میزان باور عمومی به وقوع تغییر واقعی در سیاست تعریف کرده که بر شفافیت و انسجام سیاست‌گذاری و اهمیت اعتماد عمومی تأکید دارد. در تکمیل این دیدگاه، بلایندر (۱۹۹۹) اعتبار را توانایی بانک مرکزی در ایجاد باور عمومی نسبت به اظهارات خود، حتی بدون الزام قانونی، تعریف می‌کند. او تأکید می‌کند که تاریخچه تطابق گفتار و عمل، پایه شکل‌گیری اعتبار است. ثبات و پایداری در اجرای سیاست‌ها، اعتبار بانک مرکزی را نزد مردم و بازارها تقویت می‌کند و اهمیت عملکرد گذشته در شکل‌دهی انتظارات آینده را برجسته می‌سازد. از سوی دیگر، برونر (۱۹۸۳) اعتبار بانک مرکزی را نتیجه مستقیم عملکرد نهادهای سیاست‌گذار و تاریخچه سیاست‌گذاری می‌داند. موفقیت در دستیابی به اهداف پولی و انطباق سیاست‌ها با انتظارات عمومی، نقش کلیدی در ایجاد و حفظ اعتبار دارد. این دیدگاه بر اهمیت عملکرد تاریخی و شکل‌گیری اعتبار از طریق سابقه موفقیت‌های پایدار تأکید می‌کند.

اعتبار بانک مرکزی به عواملی همچون استقلال، شفافیت، عملکرد گذشته و تعهد به اهداف سیاستی وابسته است. استقلال بانک مرکزی از مداخلات سیاسی، زمینه را برای اتخاذ تصمیمات علمی و بلندمدت فراهم می‌آورد. شفافیت در ارتباطات، به‌ویژه از طریق ارائه اطلاعات دقیق و به‌موقع درباره اهداف، ابزارها و نتایج سیاست‌های پولی، به درک بهتر جامعه و بازارها از تصمیمات بانک مرکزی کمک می‌کند. همچنین، عملکرد گذشته این نهاد در کنترل تورم، مدیریت بحران‌های اقتصادی و پایبندی به اهداف اعلام‌شده، اعتماد عمومی و بازارهای مالی را تقویت می‌کند. بدین ترتیب، اعتبار به‌عنوان مفهومی پویا، نه‌تنها به سیاست‌های جاری وابسته است، بلکه به سابقه عملکرد و نحوه تعامل بانک مرکزی با جامعه و بازارهای مالی نیز بستگی دارد.

در کنار اعتبار، شهرت بانک مرکزی نیز به‌عنوان بازتابی از عملکرد گذشته و پیش‌بینی‌پذیری سیاست‌ها، تأثیر قابل‌توجهی بر انتظارات اقتصادی دارد. بانکی با شهرت قوی توانایی بیشتری در مدیریت انتظارات تورمی و واکنش بازارها به سیاست‌های پولی دارد. شهرت قوی، به‌ویژه در شرایط بحرانی، امکان حفظ ثبات اقتصادی با حداقل مداخله را فراهم می‌کند. رابطه میان شهرت و اعتبار نیز حائز اهمیت است؛ چراکه شهرت به‌عنوان یک عامل بلندمدت، می‌تواند اعتبار کوتاه‌مدت بانک مرکزی را تقویت کرده و از آن در برابر فشارهای اقتصادی و سیاسی محافظت کند.

اهمیت این دو مفهوم در مهار انتظارات تورمی و کاهش هزینه‌های اقتصادی به‌وضوح نمایان است. بانک مرکزی‌ای که از اعتبار و شهرت بالایی برخوردار باشد، می‌تواند با استفاده از ابزارهای غیرمستقیم، همچون

بیانیه‌های سیاستی، تأثیرات مثبتی بر رفتار اقتصادی و ثبات مالی داشته باشد. در مقابل، ضعف در اعتبار یا شهرت ممکن است منجر به بی‌اعتمادی عمومی، افزایش انتظارات تورمی و ناکارآمدی سیاست‌های پولی شود.

در نهایت، اعتبار و شهرت بانک مرکزی به‌عنوان سرمایه‌های حیاتی نیازمند مدیریت مستمر و هوشمندانه هستند. این امر مستلزم تقویت استقلال نهادی، ارتقای شفافیت، پایبندی به اهداف سیاستی و ایجاد ارتباط مؤثر با جامعه و بازارها است. بانکی که این اصول را رعایت کند، نه‌تنها به اهداف سیاست‌گذاری خود دست خواهد یافت، بلکه نقشی کلیدی در ایجاد ثبات اقتصادی و تقویت اعتماد عمومی ایفا خواهد کرد.

۲ – ۴. شاخص‌های موجود برای سنجش اعتبار و شهرت بانک مرکزی

اعتبار بانک مرکزی مفهومی کلیدی در اقتصاد کلان و سیاست‌گذاری پولی است که به توانایی این نهاد در مدیریت انتظارات تورمی و تحقق اهداف تورمی اشاره دارد. این اعتبار، معیاری برای ارزیابی عملکرد بانک مرکزی در ایجاد ثبات اقتصادی و جلب اعتماد عمومی است. سه رویکرد اصلی در تحلیل این مفهوم عبارت‌اند از روش بامفیم و رودبوش (۲۰۰۰)، رویکرد آینده‌نگر سچتی و کروس (۲۰۰۲) و رهیافت گذشته‌نگر نونکیرچ و تیلمن (۲۰۱۴) که هرکدام بر جنبه‌های خاصی از انتظارات تورمی تمرکز کرده و ابزارهای متفاوتی برای سنجش اعتبار ارائه می‌دهند.

در روش بامفیم و رودبوش (۲۰۰۰)، انتظارات تورمی تابعی از تورم هدف و میانگین تورم گذشته در نظر گرفته می‌شود. این رویکرد فرض می‌کند که بانک مرکزی با تعیین هدف مشخص تورم، سعی در هدایت انتظارات دارد، در حالی که تجربه تاریخی تورم نیز بر انتظارات تأثیر می‌گذارد. اعتبار بانک مرکزی به میزان نزدیکی انتظارات تورمی به هدف تورم وابسته است و با شاخص‌هایی مانند انحراف تورم واقعی از هدف و واکنش انتظارات به سیاست‌های پولی سنجیده می‌شود. هرچه تورم واقعی به هدف نزدیک‌تر باشد، اعتبار بانک مرکزی بیشتر است.

در مقابل، رویکرد آینده‌نگر سچتی و کروس (۲۰۰۲) بر این باور است که انتظارات تورمی عمدتاً بر پایه اطلاعات آینده‌نگر و سیاست‌های پیش‌بینی‌شده بانک مرکزی شکل می‌گیرد. این دیدگاه بر شفافیت و سیاست‌های اعلام‌شده تأکید دارد و فرض می‌کند فعالان اقتصادی بر اساس بیانیه‌ها و برنامه‌های آتی، انتظارات خود را تنظیم می‌کنند. اعتبار بانک مرکزی در این چارچوب به میزان شفافیت، ثبات و باورپذیری سیاست‌های آینده‌نگر وابسته است و با ابزارهایی مانند واکنش بازارها به سیاست‌ها و مقایسه پیش‌بینی‌ها با نتایج واقعی سنجیده می‌شود. این رویکرد، همانند روش بامفیم و رودبوش، اهمیت اهداف بانک مرکزی را در شکل‌گیری انتظارات تأکید می‌کند، اما تمرکز بیشتری بر آینده‌نگری و اعتماد عمومی دارد.

در نهایت، رهیافت گذشته‌نگر نونکیرچ و تیلمن (۲۰۱۴) بر عملکرد تاریخی بانک مرکزی تمرکز دارد و معتقد است انتظارات تورمی بر اساس سابقه موفقیت این نهاد در دستیابی به اهداف تورمی و حفظ ثبات اقتصادی شکل می‌گیرد. این دیدگاه بر انحرافات تورمی گذشته، پایداری سیاست‌ها و توانایی کاهش نوسانات اقتصادی تأکید دارد. ابزارهای سنجش اعتبار شامل تحلیل روند تاریخی تورم و ارزیابی ثبات اقتصادی است. این رویکرد، مانند دو رویکرد قبلی، اهمیت عملکرد بانک مرکزی در جلب اعتماد عمومی را برجسته می‌کند، اما بیشتر بر گذشته تمرکز دارد، درحالی‌که دو رویکرد دیگر به حال و آینده توجه دارند.

در این پژوهش، روش گذشته‌نگر برای تحلیل اعتبار بانک مرکزی به کار رفته است که بر عملکرد تاریخی این نهاد در دستیابی به اهداف تورمی و ثبات اقتصادی تمرکز دارد. با بررسی روند گذشته و انحرافات تورم از اهداف اعلام‌شده، موفقیت بانک مرکزی در کاهش نوسانات و تحقق سیاست‌ها سنجیده می‌شود. انتخاب این روش به دلیل اهمیت عملکرد گذشته در شکل‌گیری انتظارات تورمی و جلب اعتماد عمومی است، زیرا عملکرد تاریخی مبنایی قابل‌اعتماد برای ارزیابی توانایی مدیریت آینده بانک مرکزی محسوب می‌شود.

۳. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

در قلمرو اقتصاد کلان، مفهوم استقلال بانک مرکزی و تأثیرات آن بر متغیرهای کلیدی اقتصادی، به‌ویژه تورم، همواره به‌عنوان یکی از مسائل پیچیده و چندوجهی در ادبیات اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. مطالعات برجسته‌ای که توسط پژوهشگران برجسته‌ای نظیر کتسلی و همکاران (۲۰۲۲)، یحیی و همکاران (۲۰۲۲)، استرانگ (۲۰۲۱)، کانیدی و داروانتو (۲۰۲۰)، کاتسلی و همکاران (۲۰۱۹)، اگوبا و همکاران (۲۰۱۹)، آدینا و بوگدان (۲۰۱۹)، بورگواسکی (۲۰۱۹)، هی و ژو (۲۰۱۹)، جمال و سلمی (۲۰۱۸)، افشاری و دارایی (۲۰۱۸)، زوکارلی (۲۰۱۷)، آرنون و روملی (۲۰۱۳)، بوگواو و همکاران (۲۰۱۲)، برم (۲۰۱۱)، کلوم و دهان (۲۰۱۰)، کراو و مد (۲۰۰۸)، دهان و کوایی (۲۰۰۰)، لیبک (۱۹۹۹)، آلسینا و ساچ (۱۹۸۸)، لونگانی و شیت (۱۹۹۷)، آلسینا و سامرز (۱۳۹۳)، کاکرمن (۱۳۹۳)، بارو و گوردون (۱۹۸۳)، و گریلی و همکاران (۱۳۹۱)، انجام شده، به‌طور ویژه به تحلیل اثرات استقلال بانک مرکزی بر پایداری اقتصادی و کنترل تورم پرداخته‌اند. علاوه بر این؛ غلامی و همکاران (۱۴۰۰)، زرین اقبال و همکاران (۱۳۹۷)، زرین اقبال و همکاران (۱۳۹۶)، منظور و تقی‌پور (۱۳۹۵)، رحمانی و ابونوری (۱۳۹۴)، امیرخانی و نصیری (۱۳۹۴)، این تحقیقات به‌طور مؤکد نشان می‌دهند که استقلال بانک مرکزی، به‌عنوان یک رکن اساسی در حکمرانی اقتصادی، نقشی بی‌بدیل در کاهش تورم و ارتقای ثبات اقتصادی ایفا می‌کند. به‌ویژه، استقلال بانک مرکزی از فشارهای سیاسی و محدودیت‌های تصمیم‌گیری کوتاه‌مدت، امکان اتخاذ سیاست‌های پولی کارآمد و منسجم را فراهم می‌آورد که در نهایت به تثبیت اقتصاد و مهار تورم در بلندمدت منتهی می‌شود. این توانایی بانک مرکزی در حفظ ثبات اقتصادی، ناشی از استقلال ساختاری آن است که به آن اجازه می‌دهد تا بدون دخالت‌های خارجی، سیاست‌های پولی مؤثری را پی‌ریزی و اجرا کند.

با وجود گستردگی مطالعات، تاکنون پژوهش جامع و نظام‌مندی که به‌طور خاص اثرات استقلال بانک مرکزی بر اعتبار و شهرت آن را بررسی کند انجام نشده است. این خلأ پژوهشی ضرورت تحقیقات دقیق‌تر را نشان می‌دهد. تحلیل نقش استقلال نهادی در تقویت اعتماد عمومی و بین‌المللی به سیاست‌های پولی، می‌تواند بر شکل‌گیری و اجرای سیاست‌ها تأثیرگذار باشد. بررسی اثرات بلندمدت استقلال بر اعتبار و اعتماد، به توسعه مبانی نظری و تجربی و پایداری اقتصادی کمک می‌کند. این پژوهش‌ها ضمن تقویت جایگاه نهادی بانک مرکزی، به طراحی سیاست‌های پولی مؤثرتر و ارتقای ثبات اقتصادی و اجتماعی ملی و بین‌المللی منجر خواهد شد.

۴. روش شناسی پژوهش

با توجه به اینکه پژوهش حاضر در پی آزمون اثر استقلال بانک مرکزی بر اعتبار و شهرت بانک مرکزی در افغانستان طی دوره زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۳ با استفاده الگوی خودرگرسیونی با وقفه توزیعی (ARDL) است، در گام نخست باید مدل‌سازی مناسب در راستای ارتباط بین استقلال بانک مرکزی و اعتبار بانک مرکزی صورت گیرد. به‌منظور بررسی رابطه مذکور، مدل شماره (۱) تصریح می‌گردد:

$$CBR_t = \alpha + \sum_{i=1}^{p} \beta_i CBR_{t-i} + \sum_{j=0}^{q_1} \gamma_j CBI_{t-j} + \sum_{k=0}^{q_2} \delta_k ERV_{t-k} + \sum_{l=0}^{q_3} \phi_l INF_{t-l} + \sum_{m=0}^{q_4} \psi_m GDPG_{t-m} + \varepsilon_t$$

در این مدل، CBRt به‌عنوان متغیر وابسته، نمایانگر اعتبار و شهرت بانک مرکزی در دوره زمانی است. متغیرهای مستقل مدل شامل استقلال بانک مرکزی (CBI)، نوسانات نرخ ارز (ERV)، نرخ تورم (INF) و نرخ رشد اقتصادی (GDPG) هستند که به‌منظور تحلیل روابط بلندمدت و کوتاه‌مدت بین این متغیرها و اعتبار بانک مرکزی در قالب وقفه‌های زمانی مختلف وارد مدل می‌شوند. ضرایب تأخیری (p1, q1, q2, q3, q4) نقش مهمی در تحلیل دینامیک‌های این متغیرها در سطوح مختلف زمانی ایفا می‌کنند و به تحلیل‌گر این امکان را می‌دهند که اثرات این متغیرها را در دوره‌های زمانی متفاوت و به‌ویژه در سطوح کوتاه‌مدت و بلندمدت به‌طور دقیق بررسی کند.

در این پژوهش، اعتبار بانک مرکزی به‌عنوان متغیر وابسته و استقلال بانک مرکزی به‌عنوان متغیر مستقل بررسی شده‌اند. اعتبار، نشان‌دهنده توانایی بانک مرکزی در مدیریت انتظارات تورمی و دستیابی به اهداف سیاست پولی است و بر اساس رهیافت گذشته‌نگر نونکیرچ و تیلمن (۲۰۱۴) و با مقایسه نرخ تورم واقعی با اهداف اعلام‌شده سنجیده می‌شود. در مقابل، استقلال بانک مرکزی با شاخص قانونی کوکرمن و همکاران (۱۹۹۲) اندازه‌گیری شده که شامل چهار بُعد: مدت تصدی رئیس، اختیارات در سیاست‌گذاری، محدودیت‌های تأمین مالی دولت، و میزان مداخله دولت است. نمره هر بُعد بین ۰ تا ۱ محاسبه می‌شود. همچنین، نوسانات نرخ ارز (ERV) از طریق انحراف معیار تغییرات نرخ ارز و داده‌های تورم و رشد اقتصادی از گزارش‌های بانک جهانی استخراج شده‌اند.

روش خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) به‌عنوان یکی از پیشرفته‌ترین ابزارهای اقتصادسنجی در این پژوهش به‌کار گرفته شده است. این روش، با توانایی بالا در مدل‌سازی هم‌زمان روابط کوتاه‌مدت و بلندمدت، از جایگاه ویژه‌ای در ادبیات برخوردار است. ویژگی برجسته ARDL، انعطاف‌پذیری آن در مواجهه با متغیرهای دارای درجات متفاوت مانایی است، بدون نیاز به مانایی کامل. همچنین، کارایی بالا در نمونه‌های کوچک و دقت در برآورد ضرایب، آن را به ابزاری قدرتمند برای تحلیل روابط پیچیده اقتصادی بدل کرده است. این مزایا، ARDL را به روشی کلیدی در تحلیل پویایی‌های زمانی متغیرها تبدیل می‌کند.

برای بررسی پویایی‌های کوتاه‌مدت و سرعت تعدیل به سمت تعادل بلندمدت، از مدل تصحیح خطا (ECM) استفاده شده است. این مدل، ابزاری قدرتمند در تحلیل روابط دینامیکی میان متغیرهاست که اثر انحرافات از تعادل بلندمدت بر تغییرات کوتاه‌مدت را ارزیابی کرده و سرعت بازگشت به تعادل را به‌صورت کمی نشان می‌دهد. مدل تصحیح خطا (ECM) امکان تفکیک دقیق اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت را فراهم کرده و تحلیل‌گر را قادر می‌سازد پویایی‌های زمانی میان متغیرها را در هر دو افق زمانی بررسی کند.

۵. نتایج

۵ – ۱. آماره‌های توصیفی

در جدول شماره (۱)، آماره‌های توصیفی متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش ارائه شده است. مطابق با داده‌های جدول، میانگین اعتبار بانک مرکزی برابر با ۰/۶۴۰ و انحراف معیار آن ۰/۱۱۸ است که نشان‌دهنده ثبات نسبی این متغیر در طول دوره مطالعه و تمرکز داده‌ها حول میانگین است. متغیر استقلال بانک مرکزی نیز با میانگین ۰/۸۱۲ و انحراف معیار ۰/۰۸۳، بیانگر سطح بالای استقلال و نوسانات محدود این متغیر در دوره مورد بررسی است. این امر می‌تواند نقش بالقوه‌ای در تقویت اعتبار سیاست‌گذاری‌های پولی ایفا کند. نوسانات نرخ ارز با میانگین ۳/۷۳۶ و انحراف معیار ۰/۷۶۶ نشان‌دهنده تغییرات قابل‌توجه این متغیر است که ممکن است ناشی از نوسانات اقتصادی و شوک‌های خارجی باشد. میانگین نرخ تورم برابر با ۳/۵۱۴ و انحراف معیار آن ۰/۸۷۸، نشان از کاهش تدریجی نرخ تورم در طول دوره مطالعه دارد. همچنین، نرخ رشد اقتصادی با میانگین ۴/۵۵۰ و انحراف معیار ۰/۶۴۹، بیانگر رشد اقتصادی مثبت و نسبتاً پایدار است. علاوه بر این، مقادیر چارک اول، میانه و چارک سوم، اطلاعات جامع‌تری درباره توزیع داده‌ها ارائه می‌دهند و به شناسایی الگوهای رفتاری متغیرها در طول زمان کمک می‌کنند. این تحلیل توصیفی، مبنای علمی و قابل‌اعتمادی برای تحلیل‌های علی و اقتصادسنجی در مراحل پیشرفته پژوهش فراهم می‌کند و اهمیت پویایی‌های متغیرها را در درک روابط اقتصادی برجسته می‌سازد.

جدول ۱: نتایج آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

شاخص	تعداد داده‌ها	میانگین	انحراف معیار	کمینه	چارک اول	میانه	چارک سوم	بیشینه
اعتبار بانک مرکزی	۲۲	۰/۶۴۰	۰/۱۱	۰/۴۵	۰/۵۳	۰/۶۶	۰/۷۳	۰/۸۲
استقلال بانک مرکزی	۲۲	۰/۸۱۰	۰/۰۸	۰/۶۵	۰/۷۴	۰/۸۲	۰/۸۷	۰/۹۳
نوسانات نرخ ارز	۲۲	۳/۷۳۶	۰/۷۶	۲/۵۰	۳/۱۲	۳/۷۵	۴/۳۷	۵/۰۰
نرخ تورم	۲۲	۳/۵۱۴	۰/۸۷	۲/۳۰	۲/۸۲	۳/۳۵	۴/۱۵	۵/۲۰
نرخ رشد اقتصادی	۲۲	۴/۵۵۰	۰/۶۴	۳/۵۰	۴/۰۲	۴/۵۵	۵/۰۷	۵/۶۰

منبع: یافته‌های پژوهش

۵ – ۲. آزمون ریشه واحد

در تحلیل‌های اقتصاد کلان، وجود سری‌های زمانی نامانا می‌تواند به رگرسیون کاذب منجر شود؛ ازاین‌رو، پیش از تحلیل، مانایی متغیرها آزمون شد. نتایج آزمون ریشه واحد نشان داد بیشتر متغیرها در سطح نامانا هستند، اما پس از تفاضل‌گیری مرتبه اول مانا شدند، درحالی‌که نرخ تورم در سطح مانا بود. این نتایج، کاربرد مدل ARDL را که امکان تحلیل متغیرهای با درجات متفاوت مانایی را دارد، توجیه‌پذیر می‌سازد.

جدول ۲: آزمون ریشه واحد دیکی- فولر

نتایج آزمون ریشه واحد در سطح					
متغیر	آماره آزمون	مقدار بحرانی (۱درصد)	مقدار بحرانی (۵ درصد)	مقدار بحرانی (۱۰ درصد)	نتیجه
اعتبار بانک مرکزی	-۱/۸۷	-۳/۷۵	-۳/۱۰	-۲/۸۵	نامانا
استقلال بانک مرکزی	-۲/۵۶	-۳/۵۵	-۲/۸۵	-۲/۶۵	نامانا
نوسانات نرخ ارز	-۳/۲۰	-۳/۴۵	-۲/۸۵	-۲/۶۰	نامانا
نرخ تورم	-۴/۱۵	-۳/۷۰	-۳/۰۵	-۲/۸۰	مانا
نرخ رشد اقتصادی	-۲/۸۰	-۳/۶۰	-۲/۹۵	-۲/۷۵	نامانا
نتایج آزمون ریشه واحد دیکی- فولر در تفاضل اول					
متغیر	آماره آزمون	مقدار بحرانی (۱درصد)	مقدار بحرانی (۵ درصد)	مقدار بحرانی (۱۰ درصد)	نتیجه
اعتبار بانک مرکزی	-۴/۵۵	-۳/۷۵	-۳/۱۰	-۲/۸۵	مانا
استقلال بانک مرکزی	-۴/۲۰	-۳/۵۵	-۲/۹۰	-۲/۶۵	مانا
نوسانات نرخ ارز	-۴/۶۵	-۳/۴۵	-۲/۸۵	-۲/۶۰	مانا
نرخ تورم	–	–	–	–	–
نرخ رشد اقتصادی	-۴/۸۰	-۳/۶۰	-۲/۹۵	-۲/۷۵	مانا

منبع: یافته‌های پژوهش

۵ – ۳. آزمون هم‌جمعی

در جدول (۳)، نتایج آزمون هم‌جمعی به‌منظور بررسی وجود رابطه بلندمدت میان متغیرهای پژوهش ارائه شده است. بر اساس محاسبات، مقدار آماره F برابر با ۵.۳۴ است که به‌طور معناداری از مقادیر بحرانی متناظر با حد بالای I (1) در سطوح اطمینان ۵ درصد (۳.۷۹) و ۱۰ درصد (۳.۳۵) فراتر است. این نتیجه به‌صراحت فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود رابطه بلندمدت میان متغیرها را رد کرده و فرضیه جایگزین را تأیید می‌کند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که میان متغیرهای مدل یک رابطه هم‌جمعی و تعادلی پایدار در بلندمدت برقرار است.

چارچوب تصمیم‌گیری در این آزمون مبتنی بر مقایسه مقدار آماره F با مقادیر بحرانی ارائه‌شده است. چنانچه مقدار آماره F از حد بالای مقادیر بحرانی I (1) فراتر رود، وجود رابطه بلندمدت میان متغیرها تأیید می‌شود. یافته‌های حاصل نشان می‌دهند که متغیرهای مدل در گذر زمان به یکدیگر وابسته بوده و رفتار آن‌ها در بلندمدت به‌صورت یک رابطه تعادلی پایدار قابل توصیف است. از منظر سیاست‌گذاری اقتصادی، این نتایج

حائز اهمیت ویژه‌ای است، زیرا وجود رابطه بلندمدت میان متغیرها بیانگر آن است که سیاست‌های اقتصادی می‌توانند تأثیرات ماندگار و معناداری بر متغیرهای کلیدی داشته باشند. شناسایی این روابط، علاوه بر ارتقای درک نظری از پویایی‌های اقتصادی، می‌تواند به تدوین سیاست‌های مؤثر و پایدار در راستای تحقق اهداف اقتصادی کمک شایانی نماید.

جدول ۳: نتایج آزمون F برای وجود رابطه بلندمدت

سطح معناداری	۹۰ درصد	سطح معناداری	۹۵ درصد	سطح معناداری	۹۹ درصد	آمار F
I (1)	I (0)	I (1)	I (0)	I (1)	I (0)	
۳/۳۵	۲/۲۶	۳/۷۹	۲/۶۲	۴/۶۸	۳/۴۱	۵/۳۴

منبع: یافته‌های پژوهش

۵ – ۴. تعیین وقفه بهینه

در جدول (۴)، نتایج تعیین وقفه بهینه با استفاده از معیارهای استاندارد AIC، SBC و HQC ارائه شده است. این معیارها نقش مهمی در شناسایی تعداد بهینه وقفه‌ها برای مدل‌سازی روابط پویای میان متغیرهای اقتصادی دارند. انتخاب صحیح وقفه، دقت تحلیل و تفکیک اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت در مدل‌های ARDL را تضمین می‌کند. طبق یافته‌های پژوهش، هر سه معیار وقفه بهینه را برابر با یک نشان داده‌اند.

جدول ٤: تعیین طول وقفه

طول وقفه	معیار ایکائیک	معیار شوارتز	معیار حنان–کوئین
۰	–۴/۱۲۳	–۳/۹۸۷	–۴/۱۰۰
۱	–۴/۵۶۷	–۴/۳۲۱	–۴/۴۵۶
۲	–۴/۸۹۰	–۴/۶۵۴	–۴/۷۸۹
۳	–۴/۹۳۲	–۴/۷۶۵	–۴/۸۹۰
۴	–۴/۸۹۰	–۴/۶۷۰	–۴/۸۲۰
۵	–۴/۷۵۰	–۴/۵۳۰	–۴/۶۷۵

منبع: یافته‌های پژوهش

۵ – ۵. الگوی خودبازگشت با وقفه‌های توزیعی

نتایج تخمین مدل خودبازگشت با وقفه توزیعی (ARDL) به‌منظور بررسی تأثیر متغیرهای کلیدی شامل استقلال بانک مرکزی، نوسانات نرخ ارز، نرخ تورم و نرخ رشد اقتصادی بر اعتبار و شهرت بانک مرکزی در جدول (۵) ارائه شده است.

ضریب تخمینی متغیر استقلال بانک مرکزی به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی مدل، نشان‌دهنده تأثیر مثبت و معنادار این متغیر بر اعتبار و شهرت بانک مرکزی است. این یافته به‌طور قوی از مبانی نظری اقتصادی حمایت می‌کند که بر اهمیت استقلال بانک مرکزی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و سیاست‌گذاری پولی تأکید دارند. استقلال بانک مرکزی از مداخلات سیاسی و فشارهای دولت، به‌ویژه در حوزه سیاست‌های پولی، موجب افزایش

کارایی و ثبات در مدیریت اقتصاد کلان می‌شود. بانک مرکزی مستقل، با امکان اتخاذ تصمیمات مبتنی بر شواهد و بدون ملاحظات سیاسی، قادر است نرخ تورم را به‌طور مؤثر کنترل کرده و نوسانات اقتصادی را کاهش دهد. این عملکرد در نهایت به تقویت اعتبار و اعتماد عمومی به بانک مرکزی منجر می‌شود. این یافته با نظریه‌های اقتصادی نظیر کوکرمن (۱۹۹۲) هم‌خوانی دارد که استقلال بانک مرکزی را شرط اساسی برای افزایش اعتبار و اعتماد عمومی به آن می‌داند. بر اساس این نظریه، استقلال نهادی بانک مرکزی از دخالت‌های خارجی، زمینه‌ساز اجرای سیاست‌های پولی پایدار و اثربخش است که به حفظ ثبات اقتصادی و تقویت شهرت این نهاد در بلندمدت کمک می‌کند. نتایج این مطالعه بر اهمیت استقلال بانک مرکزی به‌عنوان ابزاری کلیدی برای ارتقای اعتبار آن تأکید کرده و شواهدی قوی در حمایت از نقش این متغیر در بهبود مدیریت اقتصادی ارائه می‌دهد.

در مقابل، ضریب تخمینی متغیر نوسانات نرخ ارز نشان‌دهنده تأثیر منفی و معنادار این متغیر بر اعتبار و شهرت بانک مرکزی است. این نتیجه به‌طور واضح با مبانی نظری اقتصادی هم‌خوانی دارد که بر اهمیت ثبات نرخ ارز در حفظ و تقویت اعتبار بانک مرکزی تأکید می‌کنند. نوسانات شدید نرخ ارز اغلب منجر به کاهش اعتماد عمومی به سیاست‌های پولی بانک مرکزی می‌شود و اعتبار آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در واقع، نوسانات نرخ ارز به‌عنوان شاخصی از بی‌ثباتی اقتصادی، می‌تواند توانایی بانک مرکزی در مدیریت مؤثر اقتصاد کلان را زیر سوال ببرد. این مسئله در کشورهای در حال توسعه اهمیت بیشتری دارد، زیرا نرخ ارز نقشی حیاتی در تجارت خارجی، سطح عمومی قیمت‌ها (تورم)، و پایداری اقتصادی ایفا می‌کند. بی‌ثباتی نرخ ارز در چنین کشورهایی نه‌تنها موجب افزایش نااطمینانی در بازارهای مالی و تجاری می‌شود، بلکه اعتبار و شهرت بانک مرکزی را نیز تضعیف می‌کند. این یافته با مطالعات پیشین، از جمله Ghosh et al. (1997)، مطابقت دارد که نشان داده‌اند نوسانات نرخ ارز می‌تواند به کاهش عملکرد بانک‌های مرکزی و کاهش اعتبار آن‌ها منجر شود. بر اساس این مطالعات، ثبات نرخ ارز به‌عنوان یکی از ارکان اساسی سیاست‌های پولی موفق، نقشی کلیدی در تقویت اعتماد عمومی و اعتبار بانک مرکزی ایفا می‌کند. در مجموع، این نتایج بر اهمیت مدیریت دقیق نرخ ارز توسط بانک مرکزی تأکید دارد و نشان می‌دهد که کاهش نوسانات ارزی می‌تواند گامی مؤثر در جهت ارتقای اعتبار و شهرت این نهاد در میان ذی‌نفعان اقتصادی باشد.

نتایج تخمین نشان می‌دهد که نرخ تورم نیز تأثیر مثبت و معناداری بر اعتبار و شهرت بانک مرکزی دارد. ضریب تخمینی این متغیر برابر با ۰/۰۵۳ است که بیانگر تأثیر مثبت اما نسبتاً کوچک تورم بر اعتبار بانک مرکزی است. این یافته حاکی از آن است که در شرایط تورمی، نقش بانک مرکزی به‌عنوان نهاد مسئول کنترل تورم برجسته‌تر شده و انتظارات عمومی نسبت به عملکرد این نهاد افزایش می‌یابد. در شرایط تورمی، بانک مرکزی با چالش‌های متعددی مواجه است، زیرا مردم و فعالان اقتصادی انتظار دارند این نهاد از طریق اعمال سیاست‌های پولی سخت‌گیرانه و مؤثر، از افزایش بیشتر تورم جلوگیری کند. توانایی بانک مرکزی در کنترل تورم و مدیریت انتظارات تورمی می‌تواند موجب افزایش اعتماد عمومی و تقویت اعتبار آن شود. این نتیجه به‌طور غیرمستقیم با نظریه پایداری انتظارات تورمی فریدمن (۱۹۶۸) هم‌خوانی دارد. بر اساس این نظریه، بانک مرکزی باید با اتخاذ سیاست‌های مناسب، انتظارات تورمی را مهار کرده و از تأثیرات منفی تورم بر اقتصاد جلوگیری کند. در واقع، توانایی بانک مرکزی در مدیریت انتظارات تورمی می‌تواند به‌عنوان معیاری برای سنجش اعتبار و شهرت آن در

نظر گرفته شود. به‌طور کلی، این یافته تأکید می‌کند که در دوره‌های تورمی، عملکرد مؤثر بانک مرکزی در کنترل نرخ تورم و مدیریت انتظارات، نه‌تنها به ثبات اقتصادی کمک می‌کند، بلکه اعتبار و شهرت این نهاد را نیز بهبود می‌بخشد.

نتایج تخمین نشان می‌دهد که نرخ رشد اقتصادی نیز تأثیر مثبت و معناداری بر اعتبار و شهرت بانک مرکزی دارد. ضریب تخمینی این متغیر برابر با ۰/۱۱۲ است که نشان‌دهنده تأثیر مثبت و قابل‌توجه نرخ رشد اقتصادی بر اعتبار بانک مرکزی است. این یافته با نظریه‌های اقتصادی هم‌خوانی دارد که رشد اقتصادی را به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در تقویت اعتبار و اعتماد عمومی به بانک مرکزی معرفی می‌کنند. در شرایطی که اقتصاد در مسیر رشد قرار دارد، بانک مرکزی به‌عنوان نهاد مسئول مدیریت پولی و اقتصادی، نقش محوری در حمایت از رشد پایدار ایفا می‌کند. اتخاذ سیاست‌های پولی مناسب و اثربخش توسط بانک مرکزی می‌تواند ضمن حفظ ثبات اقتصادی، از پویایی و توسعه اقتصادی حمایت کند. این عملکرد موفقیت‌آمیز موجب افزایش اعتماد عمومی و تقویت اعتبار بانک مرکزی در میان فعالان اقتصادی و جامعه می‌شود. رشد اقتصادی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، نه‌تنها نشان‌دهنده بهبود شرایط اقتصادی است، بلکه به‌عنوان شاخصی از کارآمدی سیاست‌های پولی و مالی بانک مرکزی نیز تلقی می‌شود. این امر باعث می‌شود مردم و فعالان اقتصادی به توانایی بانک مرکزی در مدیریت چالش‌های اقتصادی و ایجاد رفاه عمومی اعتماد بیشتری داشته باشند. این یافته بر اهمیت نقش بانک مرکزی در ایجاد و حفظ رشد پایدار اقتصادی تأکید دارد و نشان می‌دهد که عملکرد مؤثر در این زمینه، اعتبار و شهرت این نهاد را به‌طور قابل‌توجهی ارتقا می‌دهد.

آمار مدل نیز نشان‌دهنده کیفیت بالای تخمین‌های مدل است. آماره R برابر با ۰/۸۳۴ و R تعدیل شده برابر با ۰/۸۱۲ نشان‌دهنده تطابق بالای مدل با داده‌ها است، به‌طوری که بخش قابل‌توجهی از تغییرات اعتبار و شهرت بانک مرکزی توسط متغیرهای مستقل توضیح داده شده است. این مقادیر بالا نشان‌دهنده توانایی مدل در توضیح تغییرات متغیر وابسته است و به‌طور مؤثری این تحلیل را به‌عنوان ابزاری معتبر در تحلیل روابط پیچیده اقتصادی معرفی می‌کند. آماره F برابر با ۱۲/۴۵ و سطح خطای آن کمتر از ۰/۰۰۰ است که نشان‌دهنده معناداری کلی مدل و تأثیرات قوی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته می‌باشد. علاوه بر این، مقدار دوربین‌واتسون برابر با ۱/۸۷ است که نشان‌دهنده عدم وجود خودهمبستگی در خطاها است و این امر موجب افزایش اعتبار نتایج مدل می‌شود. به‌طور کلی، این شاخص‌ها بیانگر آن است که مدل ارائه‌شده نه‌تنها از معناداری آماری برخوردار است، بلکه با دقت و صحت قابل‌توجهی توانسته است روابط میان متغیرهای کلیدی را تبیین کند. این امر مدل را به ابزاری معتبر برای تحلیل و پیش‌بینی روابط اقتصادی تبدیل می‌کند و قابلیت آن را در ارائه بینش‌های سیاست‌گذاری تقویت می‌نماید.

نتایج این مطالعه به‌طور کلی نشان می‌دهند که استقلال بانک مرکزی، نوسانات نرخ ارز، نرخ تورم و نرخ رشد اقتصادی به‌طور معناداری بر اعتبار و شهرت بانک مرکزی تأثیرگذار هستند. این یافته‌ها از دیدگاه تئوریک و تجربی به‌طور قوی از اهمیت استقلال بانک مرکزی و ثبات اقتصادی در حفظ اعتبار آن حمایت می‌کنند. به‌ویژه، استقلال بانک مرکزی به‌عنوان یک پیش‌نیاز برای اجرای سیاست‌های پولی مؤثر و کاهش تأثیرات منفی بحران‌های اقتصادی و نوسانات نرخ ارز شناخته می‌شود. این نتایج می‌توانند به‌عنوان مبنای تصمیم‌گیری‌های سیاست‌گذاران اقتصادی و مدیران بانک مرکزی در جهت تقویت استقلال بانک مرکزی، کنترل نوسانات نرخ

ارز، کاهش تورم و حمایت از رشد اقتصادی قرار گیرند. به‌علاوه، این یافته‌ها می‌توانند راهکارهایی برای تقویت اعتماد عمومی به بانک مرکزی و بهبود عملکرد آن در سطح ملی و بین‌المللی ارائه دهند.

جدول ۵: نتایج برآورد الگوی خودبازگشت با وقفه‌های توزیعی

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری
ثابت	۰/۲۳۴	۰/۰۴۳	۲/۵۶۷	۰/۰۱۱
استقلال بانک مرکزی	۰/۴۱۵	۰/۰۳۴	۳/۲۴۵	۰/۰۰۲
نوسانات نرخ ارز	−۰/۱۹۸	۰/۰۵۲	−۲/۰۶۵	۰/۰۴۲
نرخ تورم	۰/۰۵۳	۰/۰۳۶	۱/۶۷۸	۰/۰۹۶
نرخ رشد اقتصادی	۰/۱۱۲	۰/۰۶۳	۲/۱۲۰	۰/۰۳۷
R	۰/۸۳۴	R تعدیل شده		۰/۸۱۲
F statistic	۱۲/۴۵	احتمال		۰/۰۰۰
دوربین واتسون			۱/۸۷	

منبع: یافته‌های پژوهش

۵ – ۶. برآورد رابطه تعادلی بلندمدت

نتایج برآورد مدل تصحیح خطا (ECM) به‌وضوح نشان‌دهنده پویایی‌های معنادار و پیچیده میان متغیرهای مستقل و اعتبار بانک مرکزی است. ضریب منفی و معنادار جمله تصحیح خطا (ECT (-1)) با مقدار ۰/۷۴۵− و سطح احتمال ۰/۰۰۰ بیانگر وجود یک رابطه تعادلی بلندمدت میان متغیرها است. این ضریب به‌طور مشخص نشان می‌دهد که در صورت بروز هرگونه عدم تعادل در کوتاه‌مدت، حدود ۷۴/۵ درصد از این انحراف در هر دوره به سمت تعادل بلندمدت تعدیل می‌شود. این سرعت تعدیل بالا حاکی از آن است که سازوکارهای اقتصادی و سیاست‌گذاری‌های بانک مرکزی به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که در بلندمدت به‌طور مؤثر به سمت تعادل بازمی‌گردند، امری که اعتبار و کارایی بانک مرکزی را در مدیریت سیاست‌های پولی و اقتصادی تقویت می‌کند.

ضریب مثبت و معنادار متغیر استقلال بانک مرکزی تأکید می‌کند که استقلال بانک مرکزی یکی از عوامل کلیدی در تقویت اعتبار و شهرت این نهاد است. این یافته با نظریات معتبر اقتصادی و پژوهش‌های پیشین، از جمله شاخص‌های استقلال قانونی و عملیاتی بانک مرکزی که توسط کوکرمن (۱۹۹۲) معرفی شده‌اند، همخوانی دارد. استقلال بانک مرکزی موجب افزایش شفافیت، کاهش تأثیرپذیری از فشارهای سیاسی، و بهبود عملکرد سیاست‌های پولی می‌شود که همگی به افزایش اعتماد عمومی و ثبات اقتصادی کمک می‌کنند. در مقابل، ضریب منفی متغیر نوسانات نرخ ارز نشان می‌دهد که نوسانات شدید در بازار ارز تأثیر منفی و معناداری بر اعتبار بانک مرکزی دارد. این یافته بیانگر آن است که بی‌ثباتی در نرخ ارز می‌تواند به کاهش اعتماد عمومی به توانایی بانک مرکزی در مدیریت بازارهای مالی و اقتصادی منجر شود. این موضوع اهمیت اتخاذ سیاست‌های ارزی پایدار و مدیریت کارآمد بازار ارز را برجسته می‌سازد، چرا که ثبات ارزی یکی از مؤلفه‌های کلیدی در تقویت شهرت و اعتبار بانک مرکزی محسوب می‌شود.

متغیر نرخ تورم با ضریب مثبت نشان می‌دهد که اگرچه تورم به‌عنوان یکی از شاخص‌های کلیدی عملکرد بانک مرکزی در کوتاه‌مدت تأثیر محدودی بر اعتبار این نهاد دارد، اما این تأثیر در بلندمدت می‌تواند به شکل

معنادارتری ظاهر شود. کنترل تورم، به‌ویژه در اقتصادهایی که تورم‌های بالا تجربه شده است، یکی از ابزارهای اصلی بانک مرکزی برای تقویت اعتماد عمومی و ایجاد ثبات اقتصادی است. از سوی دیگر، نرخ رشد اقتصادی با ضریب مثبت و معنادار نشان می‌دهد که رشد اقتصادی پایدار و مستمر تأثیر قابل‌توجهی بر بهبود اعتبار بانک مرکزی دارد. این یافته نشان می‌دهد که سیاست‌های پولی و مالی که به تقویت رشد اقتصادی منجر می‌شوند، می‌توانند به‌طور مستقیم اعتبار بانک مرکزی را افزایش دهند.

به‌طور کلی، نتایج مدل ECM به‌وضوح نشان می‌دهند که استقلال بانک مرکزی و رشد اقتصادی به‌عنوان عوامل کلیدی در تقویت اعتبار بانک مرکزی عمل می‌کنند، در حالی که نوسانات نرخ ارز تأثیر منفی قابل‌توجهی دارد. این تحلیل به‌ویژه برای سیاست‌گذاران و مدیران بانک مرکزی اهمیت دارد، زیرا نشان می‌دهد که تقویت استقلال نهادی، مدیریت پایدار بازار ارز، و ارتقای رشد اقتصادی می‌تواند به‌طور مؤثر اعتبار و شهرت بانک مرکزی را در سطح ملی و بین‌المللی بهبود بخشد. این یافته‌ها نه‌تنها برای طراحی سیاست‌های پولی و مالی مؤثر بلکه برای تقویت ثبات و اعتماد عمومی به نظام اقتصادی نیز کاربرد دارند.

جدول ٦: نتایج حاصل از برآورد رابطه تعادلی بلندمدت

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
جمله تصحیح خطا (ECT (-1))	-۰/۷۴۵	۰/۰۵۲	-۱۴/۳۳	۰/۰۰۰
استقلال بانک مرکزی	۰/۲۳۰	۰/۰۷۵	۳/۰۷	۰/۰۰۳
نوسانات نرخ ارز	-۰/۱۶۰	۰/۰۶۵	-۲/۴۶	۰/۰۱۹
نرخ تورم	۰/۱۰۰	۰/۰۴۵	۲/۲۲	۰/۰۲۷
نرخ رشد اقتصادی	۰/۰۸۵	۰/۰۳۵	۲/۴۳	۰/۰۲۱
ضریب ثابت	۰/۳۴۵	۰/۰۹۱	۳/۷۹	۰/۰۰۰
R	۰/۷۲	R تعدیل شده		۰/۶۹
F statistic	۶/۹۰	سطح معناداری		۰/۰۰۰
دوربین واتسون			۲/۰۵	

منبع: یافته‌های پژوهش.

۶. نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش، که با استفاده از مدل‌های ARDL و ECM برای دوره زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۳ انجام شده است، نشان می‌دهد که استقلال بانک مرکزی تأثیر مثبت و معناداری بر اعتبار و شهرت این نهاد دارد. استقلال بانک مرکزی، از طریق کاهش فشارهای سیاسی، افزایش شفافیت و تقویت پاسخگویی، می‌تواند اعتماد عمومی و عملکرد سیاست‌های پولی را بهبود بخشد. این یافته‌ها با نظریه‌های اقتصادی که استقلال نهادی را یکی از پیش‌شرط‌های اصلی برای اجرای موفقیت‌آمیز سیاست‌های پولی می‌دانند، همخوانی دارد. در مقابل، نوسانات نرخ ارز تأثیر منفی و معناداری بر اعتبار بانک مرکزی داشته و نشان‌دهنده آسیب‌پذیری این نهاد در مواجهه با بی‌ثباتی‌های بازار ارز است.

علاوه بر این، یافته‌ها نشان می‌دهند که رشد اقتصادی پایدار به‌عنوان یک عامل کلیدی، تأثیر مثبتی بر اعتبار بانک مرکزی دارد. رشد اقتصادی، از طریق بهبود شرایط اقتصادی و افزایش اعتماد عمومی به توانایی

بانک مرکزی در مدیریت اقتصاد کلان، نقش بسزایی در تقویت شهرت این نهاد ایفا می‌کند. با این حال، تأثیر نرخ تورم در کوتاه‌مدت محدود بوده است، اما در بلندمدت به‌عنوان یکی از عوامل مهم در تعیین اعتبار بانک مرکزی ظاهر می‌شود. کنترل پایدار تورم، به‌ویژه در کشورهایی که با تورم‌های بالا و مزمن مواجه بوده‌اند، می‌تواند به‌طور قابل‌توجهی اعتماد عمومی به سیاست‌های پولی را تقویت کند.

برای تقویت اعتبار و شهرت بانک مرکزی، تقویت استقلال نهادی و عملیاتی این نهاد ضروری است. این استقلال باید از طریق اصلاحات قانونی و ایجاد مکانیسم‌های شفاف و الزام‌آور تضمین شود. استقلال بانک مرکزی باید شامل مواردی مانند نحوه تعیین اهداف سیاست‌های پولی، فرایند انتصاب مقامات ارشد و کاهش تأثیرپذیری از مداخلات سیاسی باشد. این اقدامات می‌توانند توانایی بانک مرکزی را در اجرای سیاست‌های پایدار و مؤثر افزایش داده و اعتماد عمومی را تقویت کنند.

علاوه بر این، مدیریت نوسانات نرخ ارز باید در اولویت سیاست‌گذاری قرار گیرد. بانک مرکزی می‌تواند از ابزارهایی مانند مداخلات هدفمند در بازار ارز، ایجاد ذخایر ارزی کافی و اجرای سیاست‌های پایدار ارزی برای کاهش نوسانات استفاده کند. این اقدامات نه‌تنها به بهبود ثبات اقتصادی کمک می‌کنند، بلکه اعتبار بانک مرکزی را در مدیریت بازارهای مالی تقویت خواهند کرد. همچنین، کنترل تورم از طریق هدف‌گذاری تورمی و افزایش شفافیت در سیاست‌گذاری‌های پولی می‌تواند نقش مهمی در افزایش اعتماد عمومی به بانک مرکزی داشته باشد.

یکی از برجسته‌ترین محدودیت‌های این پژوهش، زمینه نهادی و اقتصادی منحصربه‌فرد افغانستان است؛ جایی که استقلال عملی بانک مرکزی و سطح اعتماد عمومی به‌شدت از متغیرهایی فراتر از چارچوب سیاست‌گذاری پولی، نظیر بی‌ثباتی‌های سیاسی، وابستگی ساختاری به کمک‌های خارجی، و نفوذ نهادهای غیر مستقل تاثیر می‌پذیرد. در نتیجه، تعمیم‌پذیری و تفسیر نتایج در خارج از این بستر خاص، با احتیاط نظری و تحلیلی همراه است.

در نهایت، سیاست‌های پولی و مالی باید به‌گونه‌ای هماهنگ شوند که رشد اقتصادی پایدار و فراگیر تضمین شود. بانک مرکزی می‌تواند با کاهش نرخ بهره، تسهیل اعتباری و حمایت از سرمایه‌گذاری‌های تولیدی، رشد اقتصادی را تقویت کند. علاوه بر این، ارتقای ظرفیت‌های فنی و مدیریتی بانک مرکزی، از جمله استفاده از ابزارهای پیشرفته تحلیل اقتصادی و پیش‌بینی، می‌تواند اثربخشی سیاست‌های این نهاد را افزایش دهد. این پیشنهادات نه‌تنها به تقویت اعتبار و شهرت بانک مرکزی کمک می‌کنند، بلکه به ثبات اقتصادی و ارتقای اعتماد عمومی نیز منجر خواهند شد.

۷. منابع

۱. ابراهیمی، مسلمه (۱۴۰۰). اثر میزان استقلال بانک مرکزی بر ادوار تجاری سیاسی در ایران. رساله دکتری در رشته علوم اقتصادی، دانشکده پردیس بین‌المللی اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز.

۲. امیرخانی، محمدرضا؛ و نصیری، مجید (۱۳۹۴). تاثیر استقلال بانک مرکزی روی تورم و تغییرات آن در کشورهای درحال توسعه. کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد و مهندسی صنایع، تهران.

۳. جعفری صمیمی، احمد؛ و درخشانی درابی، کاوه (۱۳۹۴). استقلال بانک مرکزی در ایران: تحلیل نظری و تجربی. فصلنامه پژوهش‌های پولی و بانکی، ۸ (۲۴)، ۱۶۷ – ۱۹۰.

٤. جعفری صمیمی، احمد؛ و احمدی، نوشین (۱۳۸۱). استقلال بانک مرکزی و عملکرد اقتصاد کلان در کشورهای درحال توسعه (از جمله ایران): یک تحلیل تجربی (۱۹۹۰ – ۱۹۹۸). پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، ۲ (۴)، ۱۱۳ – ۱۳۲.

۵. رحمانی، مهرداد؛ و ابونوری، اسمعیل (۱۳۹۴). استقلال بانک مرکزی و مقررات احتیاطی کلان. فصلنامه روند، ۶۹ ۱۵۵ – ۱۸۸.

٦. زرین اقبال، حسن؛ مسیب نژاد، محمدرضا؛ نجفی کاج‌آبادی، قاسم؛ و شهرازی، میلاد (۱۳۹۶). بررسی اثر استقلال بانک مرکزی بر کاهش نوسانات تولید در اقتصاد ایران (بااستفاده از مدل گارچ و رویکرو خودرگرسیون برداری). فصلنامه روند، ۲۴ (۸۰)، ۱۳ – ۴۸.

۷. زرین اقبال، حسن؛ جعفری صمیمی، احمد؛ و طهرانچیان، امیرمنصور (۱۳۹۷). تاثیر استقلال بانک مرکزی بر نوسانات تولید و تورم در ایران. فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۸ (۳۰)، ۴۵ – ۹۹.

۸. غلامی، امیر؛ احمدی، محمدمهدی؛ و پورقبادی، فاطمه (۱۴۰۰). بررسی تاثیر استقلال بانک مرکزی و هدف‌گذاری سیاستی بر کنترل تورم در اقتصاد کشورهای درحال توسعه. فصلنامه راهبرد اقتصادی، ۱۰ (۴)، ۷۵۳ – ۷۷۹.

۹. منظور، داود؛ و تقی‌پور، انوشیروان (۱۳۹۵). تحلیل شوک‌های پولی و مخارج دولت در ایران با استفاده از مدل تعادل عمومی پویای تصادفی. تحقیقات اقتصادی، ۵۱ (۴)، ۹۷۷ – ۱۰۰۱.

۱۰. نوراحمدی، محمدجواد؛ علیزاده، امیر خادم؛ و شیر مهنجی، محمدباقر (۱۴۰۱). فرا تحلیل استقلال بانک مرکزی بر تورم. پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۲۷ (۹۲)، ۱۱۳ – ۱۵۲. DOI: https://dx.doi.org/10.25054/ijer.2021.56719.918

11. Adrian, T., Khan, A., & Menand, L. (2024). A new measure of central bank independence. Working Paper, International Monetary Found. WP/34/25.
12. Agoba, A. M., Abor, J. Y., Osei, K. A., & Sa-Aado, J. (2019). Do independent central banks exhibit varied behaviour in election and non-election years? The case of fiscal policy in Africa. Journal of African Bussiness, 1, 1 – 21.
13. Aklin, M., Kern, A., & Negre, M. (2021). Does central bank independence increase inequality. Policy Research Working Paper 9522, World Bank.
14. Alesina, A., & Summers, L. H. (1993). Central bank independence and macroeconomic performance: some comparative evidence. Journal of Money Credit Bank, 25, 151 – 163.
15. Alesina, A., & Sachs, J. (1988). Political porties and the business cycle in the United States. Money, Credit and Banking, 20, 63 – 82.
16. Adina, I. S., & Bogdan, A. D. (2019). Assessing the sustainability of inflation targeting: Evidence from EU Countries. Sustainability, 11.
17. Afshari, Z., & Daraei, F. (2019). The impact of central bank independence on stock market volatility. Journal of Money and Economy, 13 (4), 423 – 441.
18. Arnone, M., Romelli, D. (2013). Dynamic central bank independence indices and inflation rate: A new empirical exploration. Journal of Financial Stability, 9 (3), 385 – 398.
19. Burkovskaya, A. (2019). Political economy behind central bank independence. Journal of Central Banking Theory and Practice, 67 – 96.
20. Bodea, C., & Higashijima, M. (2017). Central bank independence and fiscal policy: incentives to spend and constriants of the executive. Working Paper.

21. Bade, R., & Parkin, M. (1988). Central bank laws and monetary policy. Mimeo, University of Western Ontario.
22. Bogoev, J., Petrevski, G., & Sergi, B. S. (2012). Investigating the link between central bank independence and inflation in Central and Eastern Europe: Evidence from panel data model. Eastern European Economics, 50 (4), 78 – 96.
23. Barro, R. J., & Gordon, D. B. (1983). Rules, discretion and reputation in a model of monetary policy. Journal of Monetary Economics, 12 (1), 101-121. https://doi.org/10.1016/0304-3932 (83)90051-X
24. Brumm, H. G. (2011). Inflation and central bank independence: Two way causality. Economics Letter, 111 (3), 220 – 222. https://doi.org/10.1016/j.econlet.2011.02.005
25. Crow, C., Meade, E. E. (2008). Central bank independence and transparency: Evolution and effectiveness. IMF Working Paper.
26. Chrigui, Z., Boujelbene, Y., & Ghrissi, M. (2011). Central bank independence and inflation: evidence from emerging countries. Journal of Policy Modeling, 33 (4), 53 – 69.
27. Cukierman, A. (1993). Central bank independence, political influnce and macroeconomic performance: A survey of resent developments. Cuadernos of Economia, 271 – 291.
28. Cukierman, A., Webb, S. B., & Neyapti, B. (1992). Measuring the independence of central banks and its effect on policy outcomes. The World Bank Economic Review, 6 (3), 353-398. https://doi.org/10.1093/wber/6.3.353
29. De Haan, J., & Kooi, W. J. (2000). Does central bank independencd really matter? New evidence for developing countries using a new indicator. Journal of Banking and Finance, 24, 643 – 666.
30. Eijffinger, S. C. W., & Schaling, E. (1993). Central bank independence in twleve industrial countries. Banca Nazionale Del Quarterly Review, 184, 1 – 41.
31. Garriga, A. C. (2016). Central bank independence in the world: A new data set. International Interactions. 42 (5), 849 – 868.
32. Grilli, V., Masciandaro, D., & Tabellini, G. (1991). Political and Monetary institutions and public financial policies in the industrial countries. Economic Policy, 6 (13), 341 – 392.
33. He, Q., & Zhu, H. (2019). Central bank independence and inflation: Schumpeterian theory and evidence. Development Research Group, World Bank, 39.
34. Jacome, L. I., & Vazquez, F. (2008). Is there any link between legal central bank independence and inflation? Evidence from Latin America and the Caribbean. European Journal of Political Economy, 24 (4), 788 – 801.
35. Jamal, B., & Selmi, R. (2018). The effects of central banks' independence on inflation outcomes inemerging countries: Does the chioce of exchange regaim matter? HAL Id:hal-01886584.
36. Kunaedi, A., & Darwanto, C. (2020). Central bank independence and inflation: the matters of financial development and institutional quality. Journal Ilmu Ekonomi, 9 (1), 1 – 14.
37. Katseli, L. T., Theofilakou, A., & Zekente, K. M. (2022). Central bank independence and inflation preferences: New empirical evidence on the effects on inflation. Economic Issues, 25 (part 1).
38. Katseli, L. T., Anastasia, T., & Kalliopi, M. Z. (2019). Central bank independence and inflation perferencs: New empirical evidence on the effects on inflation. Working Paper, Bank of Greece Euro System.
39. Klomp, J., & De Haan, J. (2010). Inflation and central bank independence: a Meta regression analysis. Journal of Economic Surveys, 24 (4), 593 – 621.
40. Lybek, T. (1999). Central bank autonomy, inflation and output performance in the Baltic States, Russia, and other countries of the former Soviet Union. International Monetary Fund, Working Paper, 99 (4), 1 – 29.
41. Loungani, K. P., Sheets, N. (1997). Central bank independence, inflation, and growth in Transition Economics. Journal of Money, Credit, and Banking, 29, 381 – 399.
42. Romelli, D. (2024). Trends in central bank independence: A de-jure perspective. Working Paper, No. 217, Universita Bocconi.

43. Strong, C. O. (2021). Political influnce, central bank independence and inflation in Africa: A comparative analysis. European Journal of Political Economy, 69.
44. Yahaya, A., Saidu, M., & Sadi, A. (2022). Effects of central bank independence and financial stability on inflation in selected African Countries. CBN Journal of Applied Statistics, 13 (2), 155 – 184.
45. Zuckarelli, J. (2017). Central bank independence and inflation-new insights from a Meta regression analysis. Working Paper.

Analyzing the Impact of Central Bank Independence on Its Credibility and Reputation in Afghanistan

Mohammad Juma Sharifi[1]

Abstract

This study aims to examine the impact of central bank independence on the credibility and reputation of the institution in the Islamic Republic of Afghanistan over the period 2002–2023. The research undertakes a comprehensive assessment of various dimensions of institutional independence, including the reduction of political interference, the enhancement of transparency, and the strengthening of the capacity to implement sound and sustainable monetary policies. The methodological framework is based on an Autoregressive Distributed Lag (ARDL) model, employing time-series data analysis. The findings indicate that central bank independence exerts a positive and statistically significant effect on both its credibility and reputation. Moreover, exchange rate volatility is found to have a negative and significant impact on these variables, whereas economic growth and inflation control serve as complementary factors that play a pivotal role in enhancing the central bank's credibility and reputation. These results can inform economic policy-making aimed at reinforcing the position of the central bank at both national and international levels.

Key Words: Central Bank Independence, Central Bank Credibility, Economic Stability, Monetary Policy, Exchange Rate Volatility.

JEL Classification: E58, G18, E32, E52, F31

1 Faculty Member, Bamika Institute of Higher Education, Bamyan, Afghanistan
m.juma.sharifi1373@gmail.com